

# برای درس آزاد آزادی اثر بخش

مینا عبدی تمکینی

آموزگار دبستان شهید باهنر، شهرک مارلیک ملارد

یک روز معمولی است، مثل روزهای دیگر. بچه‌ها کلاس را روی سرشان گذاشته‌اند. نگاهی به تک‌تک شاگردان می‌اندازم. دوست دارم تدریس امروز درس آزاد کتاب «بخوانیم»، با دیگر سال‌ها متفاوت باشد. لبخندی می‌زنم. به سراغ مجلات قدیمی رشد می‌روم. چند مطلب طنز را انتخاب می‌کنم و برای شاگردان می‌خوانم. زیرچشمی به آن‌ها نگاه می‌کنم. برق رضایت را در چشمانشان می‌بینم. از روش خود راضی هستیم.

آثار طنز و فکاهی در زندگی ما نقش مهمی دارد و در تغییر روحیه‌ی کودکان بسیار مؤثر است. پس، هر چند مدت یک بار، به سراغ نوشته‌های طنزگونه برویم و خود را از شادی‌های مفت و مجانی محروم نسازیم.

۶ من هفته‌ی اول بچه‌ها را آزاد می‌گذارم که با هم بازی کنند و آشنا شوند؛ به طوری که در همان هفته‌ی اول یکدیگر را بشناسند و با هم مأنوس شوند.

۷. یکی از مدیران مدرسه‌ها هم گفت: من خاطره‌ی اولین روز مدرسه‌ام را هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم که خانم درویشی، معلم کلاس اول، کنار در مدرسه ایستاده بود و هر کدام از ما بچه‌های کلاس اول که وارد مدرسه می‌شدیم، دست‌های خود را باز می‌کرد، ما را در بغل خود جا می‌داد و می‌بوسید و یک شیرینی به ما می‌داد. خودم هم سعی می‌کنم با دانش‌آموزانم چنین برخورد کنم.

علاوه بر هفت موردی که همکاران در جلسه مطرح کردند، تجربه‌ای که برای خودم جالب بود، به مدرسه‌ی فرهنگیان کرمان مربوط می‌شد. معلم دبستان از هر یک از کودکان خواسته بود، روز اول با خود گلدانی بیاورند که در آن گلی را کاشته باشند. روی هر گلدان، نام صاحب آن هم نوشته شده بود. گلدان‌ها پشت پنجره‌ی کلاس بودند. هر دانش‌آموز موظف بود از گلدان خود مواظبت کند و به آن آب بدهد. البته این کار را در جاهای دیگر به طور کامل تر کرده بودند و کلاس را به صورت موزه‌ای که شامل انواع چیزها بود تبدیل کرده بودند، به طوری که بچه‌ها در ساعت ورود، به جای آن که روی صندلی بنشینند؛ اشیاء را تماشا می‌کردند و علاقه‌مندی خود را نشان می‌دادند.

